

هفت شمع وحدت و تاریخچه آن

حوریوش رحمانی

بمناسبت صدمین سال نزول لوح هفت شمع

سال ۲۰۰۶ سالگرد صدمین سال نزول لوح هفت شمع می‌باشد، بی‌مناسبت نیست که این لوح و شأن نزول و مخاطب آن و مطالب مندرج در آن را بنحو اختصار مورد مطالعه قرار دهیم.

این لوح در سال ۱۹۰۶ از قلم توانای حضرت عبدالبهاء خطاب به خانم جین الیزابت وایت، همسر رئیس کلیسای آزاد اسکاتلند نازل گردید.

جین الیزابت وایت از جمله افراد غربی بود که در دهه اول قرن بیستم به زیارت حضرت عبدالبهاء نائل آمد و افتخار دریافت این لوح نصیبش گردید. همسر این زن شریف، دکتر الکساندر وایت، یکی از افراد سرشناس کلیسای اسکاتلند در سال‌های اول قرن بیستم بود. دکتر الکساندر وایت ریاست شورای عمومی کلیسای آزاد اسکاتلند را عهده‌دار بود و در بین سال‌های ۱۹۰۹ و ۱۹۱۶ مقام مدیریت دانشکده الهیات دانشگاه ادینبورگ را داشت.

در سال ۱۹۰۵ خواهر و شوهر خواهر خانم وایت، او و دوستش، خاتم نورنبرگ کراپر را برای گذراندن ایام تعطیلات به مصر دعوت کردند. ضمناً خاتم نورنبرگ کراپر دعوتنامه‌ای برای ملاقات با حضرت عبدالبهاء داشت و از اینرو از دوستش خانم وایت خواست که همراه او به این ملاقات برود.

خانم وایت درباره این دعوت با پروفیسور ادوارد براون که از دوستانش بود مشورت کرد و پروفیسور براون او را به این کار تشویق نمود.

به این ترتیب خانم جین الیزابت وایت به اتفاق دوستش در سال ۱۹۰۶ در عکا به زیارت حضرت عبدالبهاء مفتخر گردید. حضرت عبدالبهاء در آن زمان هنوز به عنوان زندانی دولت عثمانی در عکا بسر می‌بردند. به لحاظ محدودیت‌ها و شرایط خاص حاکم بر آن محیط، این ملاقات بسیار کوتاه بود و وضعی پیش آمد که زائرین غربی مجبور به ترک عکا شدند. وضع چنان اضطراری بود که حتی فرصت خداحافظی دست نداد و خانم وایت به عنوان خداحافظی نامه‌ای به حضور حضرت عبدالبهاء تقدیم داشت. حضرت عبدالبهاء در پاسخ او مکتوبی فرستادند و در ضمن آن درباره هفت شمع وحدت سخن گفتند و وقایع آینده را پیشگویی نمودند. این مکتوب به عنوان لوح هفت شمع معروف است و چنین آغاز می‌گردد:

”ای منجربه محبت‌الله، مکتوبی که هنگام رفتن مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید از مضمون مسرور شدم و امیدوارم که دیده بصیرت چنان باز گردد که حقایق اسرار ملکوت واضح و آشکار شود. در بدایت مکتوب کلمه مبارکی مرقوم و آن اینست من مسیحی هستم. ای کاش جمیع عالم مسیحی حقیقی بود زیرا مسیحی لفظی بودن آسان ولی مسیحی حقیقی بودن مشکل...“^۱

ملاقات با حضرت عبدالبهاء عمیقاً بر روح و قلب خانم وایت اثر گذاشت بطوری که پس از مراجعت از این سفر، شروع به گسترش تعلیم بهانی در بین خانواده و دوستان خود و مردم ادینبورگ نمود.

دکتر الکساندر وایت ، شوهر خانم وایت، در زمینه اتحاد کلیساها فعالیت می‌کرد و همسرش نیز با او همکاری داشت، ولی پس از مراجعت از عگا، خانم وایت ایجاد اتحاد در بین همه ادیان و در واقع اتحاد شرق و غرب را وجهه همت خود قرار داد. خانم وایت به الهی بودن دیانت بهائی ایمان داشت و عمیقاً تحت تأثیر جامعیت تعالیم آن قرار گرفته بود. او با تاریخ امر و شرح حال شهدای اولیه این آئین و تعالیم عالییه آن کاملاً آشنایی پیدا کرده بود و اشتیاق این زن شریف به رساندن این پیام به اندیشمندان و افراد برجسته ادینبورگ بود که موجب گردید زمینه مسافرت حضرت عبدالبهاء به ادینبورگ، در سال ۱۹۱۲ فراهم گردد.

خانم وایت پس از ملاقات با حضرت عبدالبهاء پیوسته مروج پیام آئین بهائی بود ولی به لحاظ بستگی به کلیسا و موقعیت خاصی که همسرش در کلیسا داشت، بنحوی احتیاط‌آمیز رفتار می‌نمود. با این حال خانه او در ادینبورگ محل تشکیل جلسات برای معرفی امر و مرکز انتشار دیانت بهائی بود. او همیشه در پی فرصتی بود که بتواند امر را به رهبران روحانی کلیسا در سراسر جهان معرفی نماید. در سال ۱۹۱۰ چنین فرصتی پیش آمد زیرا کنفرانس جهانی تبلیغی مسیحیت در ادینبورگ برگزار گردید. در طی این کنفرانس خانم وایت نسخه‌هایی از کلمات مکتونه حضرت بهاءالله را در بین شرکت‌کنندگان توزیع نمود. خانم وایت در سال ۱۹۱۱ مجدداً در لندن به زیارت حضرت عبدالبهاء موفق گردید و وسائل پذیرایی از ایشان را در منزل خود در ادینبورگ در سال ۱۹۱۲ فراهم نمود.

هفت شمع وحدت

لوح هفت شمع تلویحاً از وقایع آینده خبر می‌دهد و موضوع اصلی آن اتحاد است که محور اصلی همه تعالیم حضرت بهاءالله می‌باشد. در این لوح حضرت عبدالبهاء با اشاره به اینکه اتحاد نوع بشر یا وحدت عالم انسانی در ادوار گذشته غیرممکن و محال بوده است، تحقق چنین اتحادی را در این زمان امکان‌پذیر دانسته می‌فرماید:

"اما حال وسائل اتصال بسیار و فی الحقیقه قطعات خمسه عالم حکم یک قطعه یافته و از برای هر فردی از افراد سیاحت در جمیع بلاد و اختلاط و تبادل افکار با جمیع عباد در نهایت سهولت میسر... لهذا اتفاق کل و اتحاد عموم ممکن الحصول و این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است و قرون ماضیه از آن محروم زیرا این قرن انوار عالمی دیگر و قوتی دیگر و نورانیته دیگر دارد"^۲

سپس به هفت شمع وحدت به این ترتیب اشاره می‌فرماید:

"و عاقبت در انجمن عالم شمع‌های روشنی برافروزد و مانند بارقه صبح این نورانیت عظیمه آثارش از افق عالم نمودار گشته. شمع اول وحدت سیاسی است و جزئی اثری از آن ظاهر گردیده، و شمع دوم وحدت آراء در امور عظیمه است آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد، و شمع سوم وحدت آزادی است آن نیز قطعاً حاصل گردد، و شمع چهارم وحدت دینی است این اصل اساسی است و شاهد این وحدت در انجمن عالم به قوت الهیه جلوه نماید، و شمع پنجم وحدت وطنی است در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز به نهایت قوت

ظاهر شود و جمیع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند، و شمع ششم وحدت جنس است جمیع من علی الارض مانند جنس واحد شوند، و شمع هفتم وحدت لسان است یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند این امور که ذکر شد جمیعاً قطعی الحصول است زیرا قوتی ملکوتیه مؤید آن است...^۳

چنانچه ملاحظه می‌شود حضرت عبدالبهاء اتحاد را به نور تشبیه فرموده‌اند که عالم انسانی را روشن می‌نماید و از اینرو آن را در جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی بشر با نهاد شمع توصیف فرموده‌اند. اما این هفت شمع وحدت یا هفت مرحله اتحاد جامعه بشری که حضرت عبدالبهاء ذکر فرموده‌اند لزوماً به ترتیب وقوع بر شمرده نشده است و این معنا را از سایر آثار امری نیز می‌توان استنباط نمود.

در واقع این هفت شمع یک نوع رهنمود کلی درباره تحقق مراحل اتحاد در آینده می‌باشد و بدیهی است که هر مرحله از این مراحل هفتگانه خود مراحل و تحولات کوچکتری را در بر خواهد گرفت. بعضی از این مراحل در آثار توضیح داده شده و بعضی از آنها هنوز زود است که چگونگی تحققش پیش بینی گردد. در حقیقت این مراحل شکل گیری وحدت عالم انسانی زیربنای اصلی صلح اعظم خواهد بود که حضرت بهاءالله وعده فرموده‌اند و نباید انتظار داشت که در آینده نزدیک واقع گردد، بلکه در طی قرون آینده به تدریج به وقوع خواهد پیوست.

وحدت سیاسی

تشکیل جامعه ملل بعد از جنگ جهانی اول و سازمان ملل متحد بعد از جنگ جهانی دوم را می‌توان بازتاب‌های اولیه‌ای از مراحل این وحدت بشمار آورد. جامعه ملل را حضرت ولی امرالله به عنوان مقدمه تشکیل محکمه کبرای بین‌المللی که حضرت بهاءالله وعده فرموده‌اند توصیف می‌فرمایند:

"بالاخره جمعیت امم و عصبه ملل، مبشر محکمه کبری، که به فرموده مبارک باید در انجمن عالم تأسیس و سرپرده آن در قطب امکان به همت دول و ملل ارض مرتفع گردد، از حیز غیب قدم به عرصه وجود نهاد"^۴

آنچه که حضرت عبدالبهاء در لوح هفت شمع ترسیم فرموده‌اند یک دیدگاه کلی و وسیع از تاریخ آینده بشریت است، دیدگاهی بس عظیم، پر شکوه و نوید دهنده و در عین حال مبتنی بر واقع‌بینی و همگام با حرکت تاریخ. در این لوح نظریه‌ای مثبت و خوشبینانه درباره تاریخ و نیروهای تاریخی ارائه گردیده که با سایر فرضیه‌ها درباره تاریخ که بر اساس انگیزه‌های مادی و متکی بر مبارزه و جنگ می‌باشند در تضادی آشکار قرار می‌گیرد.

براساس این دیدگاه، نیروهای تاریخی که تمدن را به پیش می‌برند نیروهایی هستند بر اساس همکاری و هم‌آهنگی، که سعی بر این دارند تا اتحاد را به تدریج در دایره‌های وسیع‌تری متحقق سازند. واقعیات تاریخی نیز مؤید این نظر است. مطالعه سیر تکاملی حیات اجتماعی بشر که از اجتماعات کوچک و اتحاد خانواده

آغاز گردیده و به تدریج به اتحاد قبیله، حکومت شهری و اتحاد ملّی و منطقه‌ای انجامیده و در این زمان وارد مرحله جهانی شدن می‌شود خود گویای این حقیقت است. اتحاد نوع بشر نشانه‌ای از بلوغ بشریت است که جوامع بشری از ابتدای تاریخ در جهت آن در حرکت بوده‌اند.

از جمله تحولات مهم و مثبت در این راستا در قرن بیستم ظهور و گسترش سازمان‌های همکاری منطقه‌ای بوده است که عامل بسیار مهمی در جهت استقرار صلح و اتحاد ملل می‌باشد. این حرکت، یعنی گرایش ملل به منطقه‌ای شدن در نیمه قرن بیستم، بعد از جنگ جهانی دوم آغاز گردید. یکی از مهم‌ترین و موفق‌ترین این سازمان‌ها اتحادیه اروپا است. قاره اروپا که در اوایل قرن بیستم به فرموده حضرت عبدالیها □ مانند زرادخانه و انبار مواد منفجره گردیده و منتظر یک جرقه □ بود، و در نهایت این جرقه موجب شعله‌ور گردیدن آتش دو جنگ خونریز و ویرانگر جهانی گردید، در اواخر قرن بیستم در زیر چتر اتحادیه اروپا متحد گردید. این تحولات سازنده در طی یک قرن خود به نحو آشکاری ترسیمگر مرحله‌ای از این اتحاد می‌باشد. این نیروهای مثبت سرانجام بشریت را به سوی اتحاد کامل جامعه بشری یا وحدت عالم انسانی به پیش خواهد برد.

وحدت آراء

در مورد اتحاد افکار در امور عظیمه که تحت عنوان شمع دوم آمده است می‌توان گفت که تحولات و پیشرفت‌های فن‌آوری که انقلابی در ارتباطات جهانی به وجود آورده خود زمینه و ابزار را برای اتحاد فکری فراهم ساخته است. امروزه بزرگترین کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های بین‌المللی، فرصت‌های بسیار ارزنده‌ای برای تبادل افکار و مشاوره در امور مهم و نهایتاً اتحاد افکار به وجود می‌آورد. شبکه اینترنت به عنوان یک وسیله ارتباطی سریع بین‌المللی همه‌کس را در بر گرفته و ملل و اقوام مختلف را در ارتباط نزدیک و سریع با یکدیگر قرار داده است. این وسیله خود می‌تواند نقش مهمی در اتحاد افکار بازی نماید. البته همانگونه که اشاره شد در حال حاضر بشریت در سرآغاز این مراحل اتحاد است بنا بر این هنوز تضاد افکار و اختلاف نظر در بین مردم جهان بی‌نهایت زیاد است که چه بسیار به مشاجره می‌انجامد و خود منشأ بسیاری از ناآرامی‌ها و آشوب‌های جهان می‌گردد. ولی به نحو اجتناب ناپذیری طبیعه یک عصر جدید نوید آن می‌دهد که به تدریج در طی سال‌ها و قرون آینده، بشریت به اتحاد افکار در مسائل اصلی مربوط به حیات جمعی خود نائل گردد.

امروزه مقابله با مشکلات بزرگ جهانی، مسائلی از قبیل آلودگی محیط زیست، مبارزه با بیماری‌های مسری، تأمین بهداشت عمومی، تعلیم و تربیت اطفال و مبارزه با بیسوادی در سطحی جهانی نیازمند همکاری و همفکری همه ملل جهان می‌باشد. در واقع این مشکلات جهانی را بدون همفکری و تعهد ملل مختلف نمی‌توان حل نمود. وجود این مسائل خود زمینه‌ای برای گسترش اتحاد فکری مردم جهان فراهم می‌سازد.

وحدت آزادی

بدیهی است یک جهان متحد نمی‌تواند بپذیرد که جمعی از اعضایش از نعمت آزادی در زمینه‌های مختلف محروم باشند. محترم دانستن آزادی فردی و رعایت حقوق اولیه انسانی اولین سنگ زیربنای یک جامعه مرفه و پیشرو می‌باشد.

تنظیم و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سطح بین‌المللی در نیمه قرن بیستم گامی بس مثبت و سازنده در جهت تأمین رفاه و آزادی‌های انسانی بود. گرچه با گذشت بیش از نیم قرن از تصویب این اعلامیه، هنوز بسیاری از انسان‌ها در نقاط مختلف جهان تحت رژیم‌های دیکتاتوری بسر می‌برند و عملاً از بسیاری از آزادی‌های فردی و حقوق انسانی خود محروم هستند ولی صرفاً تصویب این اعلامیه توسط ملل متعدّد خود از نظر تاریخی گام بزرگی به جلو بود.

حرکت دیگری که در این راستا ملاحظه می‌شود استعمارزدایی و کسب استقلال ملی و خود مختاری ملل و اقوام است. در طی قرن نوزدهم و بیستم با ظهور جنبش‌های استقلال طلب در سراسر جهان و نهایتاً انحلال امپراطوری‌های بزرگ استبدادگر، بسیاری از ملل و اقوام به کسب آزادی و خودمختاری ملی نائل گردیده‌اند. البته هنوز بعضی از اقوام در گوشه و کنار جهان در تلاش کسب این آزادی هستند ولی کلاً جوّ جهان نسبت به این مسئله در جهت مثبتی تغییر یافته و نوید دهنده آنست که مآلاً همه مردم جهان به این آزادی نائل گردند.

وحدت دینی

وحدت دینی به عنوان شمع چهارم آمده است و آن را اصل اساس توصیف فرموده‌اند. این مسئله حائز اهمیت است، بخصوص در این زمان که ملاحظه می‌شود دین و احساسات دینی در دو جهت مخالف گرایش پیدا کرده و راه افراط و تفریط پیموده است. از یک طرف، بنیادگرایی مذهبی است که اختلافات دینی را دامن زده و نظم و آرامش جهان را به خطر انداخته است، و از سوی دیگر تردید و سوء ظن نسبت به دین، و در نهایت، بی‌اعتقادی کامل و نفی دین بطور کلی می‌باشد. چه که بسیاری از مردم دین را عامل اصلی اختلافات، جنگ‌ها و مصائب بشری و بزرگترین مانع بر سر راه صلح جهانی می‌دانند. در حالیکه از نظر آئین بهائی دین خود عامل مهمی جهت برقراری صلح و آرامش در جهان می‌باشد. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند:

"دین‌الله و مذهب‌الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است او را سبب و علت نفاق و اختلاف و ضغینه و بغضاء نمائید"^٦

در وعده صلح جهانی، بیانیه بیت العدل اعظم به اهمیت دین در جهت تحقق صلح به این نحو اشاره شده است: "هیچ کوشش معتبری در راه اصلاح امور انسانی و تأسیس صلح جهانی نمی‌تواند از امر دین غافل ماند"^٧

اینکه چگونه اتحاد دینی در جامعه بشری تحقق خواهد پذیرفت مسئله‌ای قابل تعمق است. ولی قدر مسلم آنست که این اتحاد به هیچ وجه با فشار و زور و تبلیغات همراه نخواهد بود، بلکه مستلزم یک نوع آگاهی برتر، و رسیدن به درجاتی از بلوغ روحانی و معنوی خواهد بود که به تدریج بشریت به آن نائل خواهد شد.

وحدت وطنی

منظور از اتحاد ملل در یک سطح جهانی از دیدگاه آئین بهانی نظامی است شبیه یک نظام فدرال جهانی بر اساس امنیت جمعی، که ملل عضو در امور داخلی خود آزاد بوده ولی در سطح جهانی متحد باشند. تمرکز قدرت و یا هم شکلی و هم گونگی به هیچ وجه مورد نظر نیست، بلکه تنوع فرهنگی ترویج می‌گردد و چند گونگی ارجح نهاد می‌شود. در واقع وحدت در کثرت است یعنی اتحادی است بر اساس همکاری و همگامی همه ملل و فرهنگ‌ها که قادر است انگیزه خودخواهانه ملیت‌گرایی را تعدیل نماید.

پیشرفت علوم و صنایع امروزه جهان را به صورت یک وطن واحد یا به اصطلاح دهکده‌ای جهانی درآورده است و بیش از پیش حقیقت این بیان مبارک حضرت بهاءالله که: "عالم یک وطن محسوب است و من علی الارض اهل آن"^۸ بر جهانیان روشن گردیده است.

قرن بیستم قرن انوار خوانده شده، چه که سرآغاز مراحل است که بشریت را به سوی یک اتحاد جهانی به پیش می‌برد و در نهایت در طی قرن‌های آینده به وحدت عالم انسانی و صلح اعظم خواهد انجامید. همانگونه که ناآرامی و سرکشی و انقلابات روحی نوجوانی در هر انسان سر آغاز رسیدن به بلوغ و مرحله عقل و ادراک خواهد بود به همین نحو آنچه که امروزه به صورت انقلابات، ناآرامی‌ها، کشمکش‌ها و اختلافات بین ملل جهان ملاحظه می‌گردد در نهایت به بلوغ جمعی نوع بشر منتهی خواهد شد.

وحدت جنس

تنوع نژادی بیش از آنکه موردی برای اختلاف و تعصب باشد در حقیقت خود موجبی است برای غنی سازی فرهنگ بشری. همانگونه که تنوع حیوانات و گیاهان در حیات جمعی کرده زمین تأثیری مثبت دارد، همانطور هم نژادها و فرهنگ‌های مختلف باعث غنی سازی و بارورتر شدن تمدن بشری می‌گردند. تنوع نژادی از دیدگاه آئین بهانی منبعی از زیبایی و غنای جامعه بشری شناخته شده است نه موجبی برای بیگانه نگری و جنگ و ستیز. بیان زیبای حضرت عبدالبهاء در مورد زیبایی و تنوع گل‌های یک گلستان نمونه بارزی از این رویکرد بهانی می‌باشد.

تجربه دیانت بهانی عملاً نشان می‌دهد که نژادها و فرهنگ‌های مختلف به خوبی می‌توانند در یک چهارچوب جهانی در کنار هم فعالیت نمایند، و در عین حال که ویژگی‌های نژادی و فرهنگی خود را حفظ می‌کنند عضو یک جامعه وسیع‌تر و متنوع‌تر نیز باشند. این امر نه تنها امکان پذیر، بلکه در مرحله کنونی تمدن بشری ضروری و حیاتی است. در حقیقت این نحوه همزیستی مسالمت آمیز نشانه آشکاری

از یک جامعه سالم می‌باشد. می‌توان گفت که اتحاد واقعی تنها در چهارچوب یک جامعه متنوع و گوناگون امکان پذیر است، وگرنه افراد یک نژاد یا یک قوم خود از نوعی اتحاد طبیعی برخوردار می‌باشند.

وحدت لسان

اتحاد زبان تحت عنوان شمع هفتم آمده است. شکی نیست وجود یک زبان بین‌المللی که علاوه بر زبان مادری به مردم جهان از طفولیت در مدارس آموخته شود وسیله مؤثری برای ایجاد تفاهم بین مردم جهان، و در نهایت درک و شناخت ویژگی‌های فرهنگی یکدیگر خواهد بود و در تحقق اتحاد جهانی عاملی قوی و کارآمد بشمار می‌رود. اینکه چه زبانی به عنوان زبان بین‌المللی انتخاب خواهد شد هنوز معلوم نیست و انتخاب آن را حضرت بهاءالله موعول به تصمیم سران دول و ملل جهان فرموده‌اند که از طریق مشورت با یکدیگر زبانی برگزینند. می‌فرمایند:

"از جمله اموری که سبب اتحاد و اتفاق می‌گردد و جمیع عالم یک وطن مشاهده می‌شود آنست که السن مختلف به یک لسان منتهی گردد... باید جمیع ملل نفوسی معین نمایند از اهل ادراک و کمال تا مجتمع شوند و به مشاورت یکدیگر یک لسان اختیار کنند"^۹

بدیهی است هر زبانی که به عنوان زبان بین‌المللی انتخاب گردد در پیشبرد صلح و تفاهم جهانی گامی بسیار مؤثر خواهد بود و انقلابی در ارتباطات جهانی ایجاد خواهد کرد.

لوح هفت شمع از نظر پیشگویی‌های آینده در مورد اتحاد نوع بشر بسیار حائز اهمیت است. حضرت ولی امرالله بر اهمیت این لوح تأکید نموده و قسمت‌هایی از آن را در چند توقیع نقل فرموده‌اند.

در کتاب *قرن انوار*، که از سوی بیت عدل اعظم صادر گردیده، در فصل یازدهم به این لوح و مخاطب آن اشاره شده که به عنوان حسن ختام در اینجا نقل می‌گردد:

"ده‌ها سال و شاید زمانی بیشتر لازم است تا پیش‌بینی‌های مندرج در این سند مهم کاملاً وقوع یابد اما امروز ملاحظه می‌کنیم که چهارچوبه اصلی چنان وعده‌هایی در سراسر جهان برقرار گردیده است. مثلاً در سیر وحدت نژادی و وحدت دینی که به تصریح در بیان حضرت عبدالبهاء ذکر شده با وجود مخالفت عده‌ای پیشرفتی شایان رخ داده و لزوم وحدت زبان و نیاز به زبان بین‌المللی نیز از جمیع جهات احساس می‌شود. چنانکه با نبودن زبان بین‌المللی، سازمان ملل متحد و بسیاری از جامعه‌های غیر دولتی مجبور شده‌اند که چند زبان رسمی برای خود برگزینند و تا زمانی که توافق بین‌المللی در تعیین زبانی عمومی حاصل نگردد این مشکل حل نخواهد شد... مفهوم وحدت آراء در امور عظیمه که در اوایل قرن بیستم حتی ذره‌ای در مرام و آرمان‌های کسی دیده نمی‌شد نیز امروز در همه جا در برنامه‌ها پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و کمک‌های انسانی و نگرانی درباره محیط زیست در خشکی و دریا عیان گردیده است.

اما راجع به وحدت سیاسی حضرت ولی امرالله بیان داشته‌اند که مقصود وحدتی است که دول حاکمه بین خود قرار دهند و آن جریانی تدریجی است که در مرحله کنونی تاریخ، تأسیس سازمان ملل متحد نمایشی از آن است. وحدت و وطن متوجه واقعیت امروز است که مردم جهان هر چند با هم اختلاف داشته باشند باز اکثراً پذیرفته‌اند که همه ساکنان یک وطن جهانی‌اند.

اما وحدت آزادی امروز آرزوی جمعیت کره زمین گردیده است و از تحولات بزرگی که در این باره به وجود آمده و شاید در ضمیر منیر حضرت عبدالبهاء نیز وجود داشته، ناپودی شگفت انگیز استعمار و بالنتیجه ترویج خود مختاری است که یکی از خواص برجسته هویت ملی در آخر قرن بیستم است." ■

یادداشت‌ها

- ۱- حضرت عبدالبهاء، لوح هفت شمع، کتاب هفت شمع وحدت (نسخه انگلیسی)، انجام خورشید، مؤسسه مطبوعات امری، لندن، ۱۹۹۱، ص. ۱۶۷
- ۲- حضرت عبدالبهاء، توقیعات مبارکه (۱۹۲۷-۱۹۳۹)، حضرت ولی امرالله، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ایران، ۱۲۹ بدیع، ص. ۲۶۹
- ۳- همانجا، صص ۲۶۹-۲۷۰
- ۴- حضرت ولی امرالله، کتاب قرن بدیع، ترجمه نصرالله مودت، مؤسسه معارف بهائی، کانادا، ص. ۶۲۳
- ۵- حضرت عبدالبهاء، بهاءالله و عصر جدید، دکتر اسلمنت، مؤسسه مطبوعات امری، برزیل، ص. ۲۷۲
- ۶- حضرت بهاءالله، لوح مقصود، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، ص. ۱۰۲
- ۷- وعده صلح جهانی، بیانیه بیت العدل اعظم خطاب به اهل عالم.
- ۸- حضرت بهاءالله، منتخباتی از آثار، شماره ۱۱۷، لجنه نشر آثار امری، لانگنهاین-آلمان، ص. ۱۶۰
- ۹- حضرت بهاءالله، لوح مقصود، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، لجنه نشر آثار، آلمان، ص. ۹۹
- ۱۰- قرن انوار، مرکز جهانی بهائی، ص. ۱۰۸.

منابع

- ۱- کتاب هفت شمع وحدت (نسخه انگلیسی)، نوشته انجام خورشید. ۲- قرن انوار.

۳- توقیعات حضرت ولیّ امرالله.

۴- کتاب قرن بدیع.

منبع مقاله: پیام بهانی شماره ۳۱۹